

کتابخانه

علوی

فارسی ۳

سعید گنجبخش زمانی، لیلا درخش، محسن قصرانی، آرش عیوق



مجموعه کتابهای همراه علوی

سخن‌ناشر

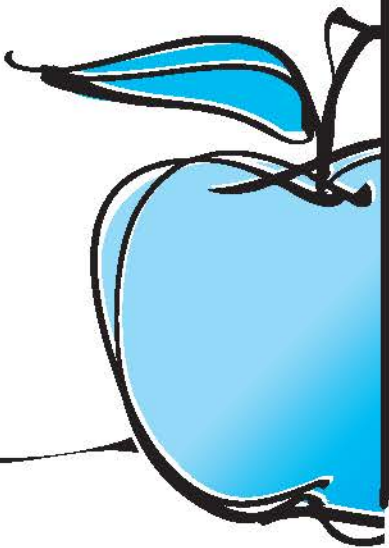
سرآغاز هر نامه نام خداست که بی نام او نامه یکسر خطاست

سپاس خدای را سزاست که اندیشهٔ انسانی را از طریق الهام با علم الهی پیوند زد و غبار تفکر بشری را با ظهور وحی ناب شست‌وشو داد و راهی رسا و نمایان در مقابل انسان گشود.

مؤسسهٔ علوی طی سالیان متمادی، با ارائه خدمات فرهنگی و آموزشی، مفتخر است که توانسته تا حد توان در راه اعتلای کیفی فرهنگ و آموزش گام بردارد و با توجه به این رسالت خطیر و جامعیت بخشیدن به برنامه‌های آموزشی خویش اقدام به تهیه مجموعه حاضر نماید.

کتاب پیش رو برای دانش‌آموزان پایهٔ دوازدهم منطبق با آخرین نسخهٔ کتاب درسی تألیف شده است، و خواندن این کتاب برای دانش‌آموزان این پایه جهت آمادگی و تسلط کامل بر دروس می‌تواند بسیار آموزنده و مفید باشد.

مؤلف کتاب در مقدمه به شیوایی رئوس مطالب را شرح داده است، پس سخن را کوتاه و شما را به مطالعه کتاب دعوت می‌نماییم. امیدواریم آموزش این کتاب، به رشد و شکوفایی علم و دانش و پرورش شایستگی‌ها در نسل جوان باری رساند. در خاتمه از همهٔ دست‌اندرکاران محترم که در مسیر پر فراز و نشیب تدوین و نشر کتاب زحمات فراوانی کنشیده‌اند سپاسگزاری می‌نماییم و از تمامی شما عزیزان خواهشمندیم جهت بهبود و ارتقای سطح کیفیت کتاب پیشنهادات و انتقادات خود را از طریق سایت alavi.ir و شماره های تماس ذکر شده در صفحه شناسنامه با ما در میان بگذارید.



«تقدیم به مادرم که صبورانه عشق و ادب را به من آموخت.»

«کتاب عشق را، جز یک ورق نیست

پروین اعتصامی

در آن هم، نکته‌ای جز نام حق نیست»

سلام بچه‌ها

این کتاب اهداف زیر را دنبال می‌کند:

۱- تمرکزگرایی و تبیین مباحث به صورت درس به درس با روش (goodbye - teacher) در این روش دانش‌آموز می‌تواند با الگوی مطالعاتی سازمان‌دهی شده - حتی اگر دبیر هم نداشته باشد - در درس به تسلط کافی برسد و توان تست‌زنی و فهم مطالب خود را به حداکثر برساند.

۲- هر درس «هفت بخش» دارد. به موضوعات: (۱) واژگان معنایی، (۲) واژگان املائی، (۳) آرایه‌های ادبی، (۴) تاریخ ادبیات، (۵) دستور زبان فارسی، (۶) قرابت‌ها و مفاهیم و (۷) سوالات طبقه‌بندی شده

(۳) درس‌نامه‌های مربوط به «آرایه‌های ادبی»، «دستور زبان» و «املا» در پایان این کتاب به طور جامع شما را از هر نظر به این مباحث مسلط می‌سازد.

(۴) تست‌ها با نهایت دقت تدوین و طراحی شده است و شما را به طور کامل در یادگیری درس تقویت می‌کند و پاسخنامه جامع تشریحی آن، برای شما حکم یک آموزگار را دارد.

(۵) در این جلد، شما با تمام اطمینان پیشرفت خود را شاهد خواهید بود و اکثر نکات مطرح شده کتاب فارسی ۳ (دوازدهم) را خواهید آموخت.

(۶) «اگر می‌بایست چندان تأمل کنم که خامی‌های کار همه پخته و کاستی‌های آن همه برطرف شود، نگارش این کتاب هرگز به پایان نمی‌رسید»؛ پس کتاب پیش‌رو خالی از اشکال نیست اما تمام تلاش ما در این مسیر برای تصحیح و بی‌نقص شدنش، استوار خواهد بود. (۷) سپاس‌گزارم از:

(۱) انتشارات علوی و مسئولین محترم آن که در فراهم نمودن این کتاب وزین بیارمان بودند.

(۲) سرکار خانم رحمانی، کیبانی، فتاحی، رحیمی، یادگاری، کیبانی، محبتی‌مقدم و سایر عزیزانی که مسئولیت هماهنگی و سرپرستی امور را به عهده داشتند.

(۳) تمام همکاران عزیزم در سراسر ایران که این اثر را معرفی و نقد می‌کنند.

(۴) سرکار خانم لیلا درخش و عالی‌جنابان محسن قصرانی و آرش عبوق همراهمان و مؤلفین بزرگوار این اثر.

(۵) سرکار خانم لیلا درخش که در ویرایش کتاب هم سهم ویژه‌ای داشتند.

(۶) بچه‌های خوب مراکز مهم آموزشی تهران که با دقت و موشکافی بسیار، مباحث را بازبینی و بررسی نموده و برخی نکات را یادآور شده‌اند.

با من به زبان عشق صحبت کن / وین گمشده را به خود دلالت کن
سرپرست گروه پدیدآورندگان

سعید گنج‌بخش زمانی



تقدیم به:

همه آن‌ها که تا امروز در مسیر آموزش تلاش کرده‌اند.

و شما که قرار است در آینده نزدیک، نقش علمی مهمی ایفا کنید.



فهرست

- ۷ درس اول: شکر نعمت + گمان
- ۳۳ درس دوم: مست و هوشیار + در مکتب حقایق
- ۵۰ درس سوم: آزادی + خاکریز
- ۶۸ درس پنجم: دماوندیه + جاسوسی که الاغ بود
- ۸۴ درس ششم: نی نامه + آفتاب جمال حق
- ۱۰۶ درس هفتم: در حقیقت عشق + صبح ستاره باران
- ۱۲۲ درس هشتم: از پاریز تا پاریس + سه مرکب خوانی
- ۱۳۶ درس نهم: کویر + بوی جوی مولیان
- ۱۵۵ درس دهم: فصل شکوفایی + تیرانا
- ۱۶۸ درس یازدهم: آن شب عزیز + شکوه چشمان تو
- ۱۸۴ درس دوازدهم: گذر سیاوش از آتش + به جوانمردی کوش
- ۱۹۹ درس سیزدهم: خوان هشتم + ای میهن
- ۲۱۶ درس چهاردهم: سی مرغ و سیمرغ + کلاتر و اولی‌تر
- ۲۳۵ درس شانزدهم: کباب غاز + روان‌خوانی «ارمیا»
- ۲۵۰ درس هفدهم: خنده تو + مسافر
- ۲۶۲ درس هجدهم: عشق جاودانی + آخرین درس + لطف تو
- ۲۷۶ ۱۰۰ تست املايي جامع
- ۲۹۶ درسنامه کامل آرایه‌های ادبی
- ۳۳۵ درسنامه کامل دستور زبان فارسی
- ۳۴۹ آزمون جامع



شكر نعمت + گمان





تاك: درخت انگور، رز
تتمه: باقی مانده؛ تتمه دور زمان؛ مایه تمامی و کمال گردش روزگار؛ مایه تمامی و کمال دور زمان رسالت
تخیر: سرگشتگی، سرگردانی
تقصیر: گناه، کوتاهی، کوتاهی کردن
چسبیم: خوش اندام
حلیه: زیور، زینت
خوان: سفره، سفره فراخ و گشاده
دایه: زنی که به جای مادر به کودک شیر می دهد یا از او پرستاری می کند.
ربیع: بهار
روزی: رزق، مقدار خوارک یا وجه معاش که هر کس روزانه به دست می آورد یا به او می رسد
وظیفه روزی: رزق مقرر و معین
متنگر: زشت، ناپسند
موسم: فصل، هنگام، زمان
مفخر: هر چه بدان فخر کنند و بنازند؛ مایه ناز و بزرگی
مطاع: فرمانروا، اطاعت شده، کسی که دیگری فرمان او را می برد.
مکاشفت: کشف کردن و آشکار ساختن، در اصطلاح عرفانی، پی بردن به حقایق است.
نبات: گیاه، رُستنی
نبی: پیغمبر، پیام آور، رسول
نسبیم: خوش بو
واصفان: جمع واصف، وصف کنندگان، ستاینندگان
ورق: برگ
وسیم: دارای نشان پیامبری
وظیفه مقرر: وجه معاش

پویدن: حرکت به سوی مقصدی برای به دست آوردن و جست و جوی چیزی، تلاش، رفتن
تحفه: هدیه، ارمغان
ثنا: ستایش، سپاس
چرا: پادشاه کار نیک
جلال: بزرگواری، شکوه از صفات خداوند که به مقام کبریایی او اشاره دارد.
چود: بخشش، سخاوت، کرم
حکیم: دانا به همه چیز، دانای راست کردار، از نامهای خداوند تعالی؛ بدین معنا که همه کارهای خداوند از روی دلیل و برهان است و کار بیهوده انجام نمی دهد.
رحیم: بسیار مهربان، از نامها و صفات خداوند
روی: چاره، امکان، راه
سرور: شادی، خوشحالی
سزا: سزوار، شایسته، لایق
شبه: ماننده مثل، همسان
عز: ارجمندی، گرامی شدن، مقابل دل
فضل: بخشش، کرم
کریم: بسیار بخشنده، بخشاینده، از نامها و صفات خداوند
ملک: پادشاه، خداوند
نماینده: آن که آشکار و هویدا می کند، نشان دهنده
وهم: پندار، تصور، خیال
یقین: بی شبهه و شک بودن، امری که واضح و ثابت شده باشد.
شفیع: شفاعت کننده
شاهد: عسل؛ شاهد فایق؛ عسل خالص
صفوت: برگزیده، برگزیده از افراد بشر
عاکفان: جمع عاکف، کسانی که در مدتی معین در مسجد بمانند و به عبادت پردازند.



قسیم: صاحب‌جمال
کائنات: جمع کاینه، همه موجودات جهان
کرامت کردن: عطا کردن، بخشیدن
مراقبت: در اصطلاح عرفانی، کمال توجه بنده به حق و یقین بر این که خداوند در همه احوال، عالم بر ضمیر لوسته نگاه داشتن دل از توجه به غیر حق
مزیذ: افزونی، زیادی
معاملت: اعمال عبادی، احکام و عبادات شرعی، در متن درس، مقصود همان کار مراقبت و مکاشفت است.
معترف: اقرار کننده، اعتراف کننده
مفرح: شادی بخش، فرح‌انگیز
ممد: مدد کننده، یاری رساننده
متسوب: نسبت داده شده
ممت: سپاس، شکر، نیکویی
بنات: جمع بنت، دختران

عز و جل: گرامی، بزرگ و بلند مرتبه است؛ بعد از ذکر نام خداوند به کار می‌رود
عصاره: آبی که از فشردن میوه یا چیز دیگر به دست آورنده؛ افشرد، شیر
فاحش: آشکار، واضح
فایق: برگزیده، برتر
فراش: فرش گستر، گسترده فرش
قیافه: جامه، جامه‌ای که از سوی پیش باز است و پس از پوشیدن دو طرف پیش را با دکمه به هم پیوندند
قدوم: آمدن، قدم نهادن، فرارسیدن
اعراض: روی گردان از چیزی، روی گردانی، انصراف
اثابت: بازگشت به سوی خدا، توبه، پشیمانی
اثیسا: حالتی که در آن، احساس بیگانگی و ملاحظه و رودربایستی نباشد؛ خودمانی شدن
تضرع: زاری کردن، التماس کردن
پاسق: بلند

واژگان تکمیلی



دوزخ: جای بسیار بد و سوزان، جهنم
بی حساب: بی اندازه، آن را که نشود محاسبه کرد
مهد: گهواره، بستر، کجاوه
خیر: (در خبر است) در این جا حدیث
تضرع: التماس، استدعا، زاری کردن
لطف: مهربانی کردن
بی نشان: معشوق
جان شد: جانش رفت، مرد
اثیسا: گسترش، گسترده‌گی، سرور و شادی
مکاشفت: کشف شدن امور غیبی بر کسی
فرو گذاشت: رها کرد

جزا: مجازات بدی، کیفر، پاداش نیکی، مزد
قریت: خویشی، نزدیکی، خویشاوندی
زمره‌بین: زمره‌نشان، زمره سنگی قیمتی و سبز رنگ
اژ پهر: برای، به خاطر
پاک: ترس
کرم: بخشش، بزرگی
بی دل: عاشق، کسی که دلش را باخته است.
چیپ: گریبان، بقیه، یخه
مدعیان: کسانی که مثل بلبل ادعای دروغین عشق دارند
مستغرق: غرق شده، فرو رونده، غوطه‌ور، مجنوب
بط: مرغابی
ثمرت: نتیجه، حاصل، میوه

ذکر تو	فضل و بخشش	توحید خداوند	حکیم و عظیم	کریم و رحیم
نماینده فضل	سزاولار ثنا	وصف فهم	وهم و خیال	عز و جلال
علم و یقین	جشن و سرور	جود و جزا	غیب	سنلی
آتش دوزخ	خدای را عز و جل	موجب قربت	مزید نعمت	ممد حیات
مفرح ذات	تقصیر خویش	عذر به درگاه	سزاولار خداوندی	باران رحمت
خوان نعمت	بی دریغ	پرده ناموس	گناه فاحش	خطای منکر
فراش باد صبا	عصاره تاک	شهد فایق	نخل باسق	غفلت
شرط انصاف	سرور کاینات	مفخر موجودات	رحمت عالمیان	صفوت آمیان
تتمه نور زمان	شفیع	مطاع	قسیم	جسیم
وسیم	خصله	باک از موج بحر	دست انابت	جل و علا
ایزد تعالی	اعراض	تضرع	عاکفان کعبه جلال	تقصیر عبادت
عبثناک	واصفان حلیه جمال	تخیر	منسوب	بحر مکاشفت
جیب مراقبت	مستغرق	معللت	طریق انبساط	مدعیان عشق
ثمرت تجربت	بط	تصدی می کرد		

تاریخ ادبیات

نصرالله منشی

نویسندگانی که در قرن ششم متن کلیله و دمنه را از زبان عربی به فارسی برگردانده است.

آرایه‌های ادبی

در این درس آرایه‌هایی همچون «نماد، اضافه تشبیهی، مجاز و اضافه استعاری» دیده می‌شود که همگی را می‌توانید در پیوست پایان کتاب به‌طور جامع مطالعه کنید.

نماد

نماد کلمه‌ای است که معانی مختلفی دارد. نماد که به آن مظهر یا سمبل هم گفته می‌شود، نشان‌هایی است که نشانگر یک اندیشه در بین افراد یک قوم یا ملت است.

برخی نمادهای پرکاربرد

گل سرخ: نماد معشوق	پلپل: نماد عاشق دروغین	شمع: نماد معشوق	پروانه: نماد عاشق واقعی
ایر: نماد سخاوت	آسمان: نماد سخاوت و بزرگی	خاک: نماد پستی	خورشید: نماد بزرگی
فره: نماد کوچکی	هویا: نماد بزرگی و سخاوت	چشمه: نماد پاکی و ...	



برخی از اضافه‌های تشبیهی درس



باران رحمت	خوان نعمت	پرده ناموس بندگان	فراش باد صبا	دایه ابر بهاری	بنات نبات
مهدزمین	قبای سبز ورق	اطفال شاخ	کلاه شکوه	کعبه جلال	حلیه جمال
بحر مکاشفت	جیب مراقبت	درخت گل			

دستور زبان



گاهی ضمیر پیوسته در جای اصلی خود به کار نمی‌رود و با برگردان جمله به زبان معیار فارسی باید جای ضمیر تغییر کند که در این صورت قاعده «پرش ضمیر» یا «جهش ضمیر» اتفاق افتاده است.

در این درس در عبارت «بوی گل‌م چنان مست کرد که دامنم از دست برفت» پرش ضمیر دارد. صورت معیار ← «دامن از دستم برفت.» با این تغییر نقش (م) اضافی است.

مفهوم و قرابت



نتوان وصف تو گفتن که تو در فهم ننگنجی نتوان شبه تو گفتن که تو در وهم نیایی

مفهوم: غیر قابل توصیف بودن خدا

- ۱) نه بر اوج تانش پرد مرغ وهم
 - ۲) نه در ایوان قریش وهم را بار
 - ۳) مجلس تمام گشت و به پایان رسید عمر
 - ۴) ای برتر از خیال و قیاس و گمان و وهم
 - ۵) به قیاس درنگنجی و به وصف درنیایی
- نه در نیل وصفش رسد دست فهم
نه با چون و چرایش عقل را کار
ما همچنان در اول وصف تو مانده‌ایم
وز هر چه گفته‌اند و شنیدیم و خوانده‌ایم
متحیرم در اوصاف و جمال و روی و زینت

همه غیبی تو بدلی همه غیبی تو بهوشی همه بیشی تو بگاهی همه کمی تو فزایی

مفهوم: خدا عالم بر همه چیز است و تواناست.

- ۱) ان الله علی کل شیء قدیر
 - ۲) یکی را به سر برنهد تاج و تخت
 - ۳) از در بخشندگی و بندنوازی
 - ۴) جانور از نطفه می‌کند شکر از نی
 - ۵) اگر چیزی نمی‌دانم به عالم
- یکی را به خاک لدر آرد ز تخت
مرغ هوا را نصیب و ماهی دریا
برگ تر از چوب خشک و چشمه ز خارا
همی دانم که تو بس جان‌فزایی

لب و دندان سنایی همه توحید تو گوید مگر از آتش دوزخ بودش روی رهایی

مفهوم: توحید و حمد گفتن با تمام وجود

- ۱) توحید تو خواند به سحر مرغ سحرخوان تسبیح تو گوید به چمن بلبل گویا
- ۲) خودنه زبان در دهان عارف منهوش حمد و ثنا می کند که موی بر اعضا

کشف الدجی بجماله

مفهوم: با زیباییش تاریکی ها را از بین می برد

- ۱) تانسیم روی و مویت پرده از رخ برنداشت نه ظلم از نور پیدا بونده نور از ظلم
- ۲) با کلامین دست بردی حادثات دهر را از جمال دلربایی آینه بسترده ای

پرده ناموس بندگان به گناه فاحش نندرد و وظیفه روزی به خطای منکر نبرد

مفهوم: خداوند ستار العیوب و رزاق است.

- ۱) خدای راست مسلم بزرگواری و حلم که جرم بیند و نان برقرار می دارد
- ۲) ولیکن خداوند بالا و پست به عصیان در رزق بر کس نسبت
- ۳) کرم کن چنان کت برآید ز دست جهانیان در خیر بر کس نسبت
- ۴) آدم غرقه عصیان به پناه در تو شکر جود تو که مستغرق غفران رفتم
- ۵) نماند به عصیان کسی در گرو که دارد چنین سیدی پیش رو

مفهوم متضاد یا مقابل:

هر که رو در فسق و عصیان می کند ایزد اندر رزق او کم می کند

گر کسی وصف او ز من پرسد بی دل از بی نشان چه گوید باز

مفهوم: ناتوانی عاشق از توصیف معشوق

- ۱) نشاید وصف او گفتن که چون است که از تشبیه و از وصف او برون است
- ۲) نه خدا توانمش خواند نه بشر توانمش گفت متحیرم چه نامم شه ملک لافتی را
- ۳) ای برتر از خیال و قیاس و گمان و وهم وز هر چه گفته اند و شنیدیم و خوانده ایم
- ۴) وصف آن نیست که در وهم سخندان گنجد ور کسی گفت مگر هم تو زبانش باشی
- ۵) واصفان حلیه جمالش به تحیر منسوب که ما عرفناک حق معرفتک
- ۶) وهمها قاصر است ز اوصافش فهمها هرزه می زند لافش
- ۷) خود دست و پای فهم و بلاغت کجا رسد تا در بحار وصف جلالت کند شنا؟
- ۸) تونه این باشی نه آن در ذات خویش ای فزون از وهمها و ز بیش، بیش
- ۹) معانی که مصور شد ز صورت دوست ز من می پرس که آن در بیان نمی گنجد
- ۱۰) وصف خورشید به شب پرهی اعمی (نابینا) نرسد که در آن آینه صاحب نظران حیرتند



از دست و زبان که برآید کز عهده شکرش به درآید؟

مفهوم: کسی نمی‌تواند خدا را شایسته شکرگزاری کند.

- ۱) ما عبداک حق عبادتک
 - ۲) عطایی است هر موی از او بر تنم
 - ۳) فرس (اسب) کشته از بس که شب رانده‌اند
 - ۴) نتوانیم گفت و نیست شکی
- چگونه به هر موی شکر می‌کنم؟
سحرگه خروشان که وا ملده‌اند
شکر نعمت ز صد هزار یکی

گفته به خاطر داشتیم که چون به درخت گل رسم دامنی پر کنم هدیه اصحاب راه چون برسیدم بوی گل‌م چنان مست کرد که دامنم از دست برفت.

مفهوم: بی‌خود شدن عاشق از دیدن معشوق

- ۱) صورت یوسف نادیده صفت می‌کردم
 - ۲) آن کس که کند خودی فراموش
 - ۳) چنان پر شد فضای سینه از دوست
- چون بیدم زبان سخن از کار برفت
یاد دگری کجا کند گوش
که یاد خویش گم شد از ضمیرم

این مدعیان در طلبش بی‌خبراند آن را که خبر شد خبری باز نیامد

مفهوم: رسیدن به خدا و عدم امکان بازگشت و تعریف کردن

- ۱) اگر سالکی محرم راز گشت
 - ۲) کسی ره سوی گنج قارون نبرد
 - ۳) به مردم در این موج دریای خون
 - ۴) پروانه از شراره‌ای از دست رفت لیک
 - ۵) ز ذوق با خبری آن‌که را خبر باشد
 - ۶) عشق، جان دادن است و خاموشی
 - ۷) ای مرغ سحر عشق ز پروانه بیاموز
 - ۸) خبر یار ندارم ز که جویم کز یار
- بینند بر وی در بازگشت
و گرد برد ره باز بیرون نبرد
کز او کس نبردهست کشتی برون
با آن که شمع سوخت سراپا سخن نگفت
به نزد او سخن ناقصان خرقاات است
وان دگر دعوی و سخن باشد
کان سوخته را جان شد و آواز نیامد
هر که دارد خبری بی‌خبر از خویشتن است

چه غم دیوار امت را که دارد چون تو پشتیان

مفهوم: پشتیبانی محبوب / عنایت

- ۱) قطره سامانیم اما موج دریای کرم
 - ۲) ای دل از سیل فنا بنیاد هستی برکنند
 - ۳) هر که در سایه عنایت اوست
 - ۴) چون عنایات بود با ما مقیم
 - ۵) گر هزاران دام باشد هر قدم
- دارد آغوشی که آسان می‌کند دشوار ما
چون تو را نوح است کشتیان ز طوفان غم مخور
گنهش طاعت است و دشمن دوست
کی بود بیمی از آن نزد لئیم؟
چون تو با مایی نباشد هیچ غم

یا ملائکتی قد استحييت من عبدی و لیس له غیرى فقد غفرت له

مفهوم: شرم خدا از بنده عاصی شرمنده (آمزش الهی)

- ۱) قبول است اگر چه هنر نیستش که جز ما پناهی دگر نیستش
- ۲) زهی خداوند پاک که بنده گنه کند و تو را شرم، کرم بود.
- ۳) کرم بین و لطف خداوندگار گنه بنده کرده است و او شرمسار
- ۴) دعوتش اجابت کردم و امیدش برآوردم، که از بسیاری دعا و زاری بنده همی شرم دارم.

ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری
همه از بهر تو سرگشته و فرمانبردار شرط انصاف نباشد که تو فرمان نبری

مفهوم: کل کائنات در اختیار انسان هستند / بی‌انصافی از بی‌توجهی انسان و شکرگزار نبودن / توصیه به فرمانبرداری از خدا

- ۱) آسیای فلکی روز و شبش نوبت ماست که تنور مه و مهر از پی نان من و توست
- ۲) اعمالو آل داود شکرأ و قلیل من عبادی الشکور
- ۳) گفتم این شرط ائمت نیست مرغ تسبیح‌گوی و من خاموش



سؤالات طبقه‌بندی

- ۱- معانی درست واژه‌های «قرینت، مینه، فایق، باسقی، صفوت» به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟
- (۱) نزدیکی، مددکننده، بهتر، گناهکار، پاک
 (۲) دوری، یاری‌رساننده، برتر، کوتاه، خلوص
 (۳) نزدیکی، یاری‌رساننده، برتر، بلند، برگزیده
 (۴) دوری، طولانی، برگزیده، بالا، خالص
- ۲- «گناه، توصیف، صاحب‌جمال، پاداش کار نیک» به ترتیب معنی کدام واژه‌ها است؟
- (۱) تقصیر، نعت، قسیم، جزا
 (۲) بزه، مدح، جسیم، جلال
 (۳) بزه، خصلت، نسیم، جزا
 (۴) جنحه، وصف، وسیم، ثنا
- ۳- معنی واژه‌های «ثنا، شهید، وهم، وسیم» به ترتیب کدام است؟
- (۱) نوره، غسل، پندار، خوش‌رو
 (۲) سپاس، شیرین، تصور، تنومند
 (۳) ستایش، غسل، پندار، دارای نشان پیامبری
 (۴) سپاس، فایق، تصور، دارای نشان
- ۴- معنای واژه‌های «صفوت، نسیم، وسیم، دُجی، حلیه» کدام است؟
- (۱) روشنی، معطر، دارای نشان، مرغ، زینت
 (۲) برگزیده، خوش‌بو، دارای نشان، تاریکی‌ها، زیور
 (۳) روشن، خوش‌بو، شناخته شده، تاریک، زیور
 (۴) خلوص، باد ملایم، داغ‌دار، مرغ، زینت
- ۵- معنی واژه‌ها در همه گزینه‌ها، به‌جز گزینه تماماً درست است.
- (۱) جیب: یقه / نخل: درخت خرما / وظیفه: مستمری / قیاس: اندازه
 (۲) فاحش: آشکار / تاک: میوه انگور / خوان: سفره / سُکر: حالت مستی
 (۳) کاینه: موجود / مدعی: خواهان / مهذب: گهواره / نبی: پیام‌آور
 (۴) کشف: پرده برداشتن / تضرع: فروتنی کردن / منت: سپاس / عهده: مسئولیت
- ۶- در همه گزینه‌ها به‌جز گزینه معانی تمام کلمات به‌درستی آمده است.
- (۱) رحیل: کوچ / صفی: نادان / فرض: واجب گردانیدن / هین: بشتاب
 (۲) در کار بودن: کارآموده بودن / موسم: هنگام / نبات: گیاه، رستنی / خسوف: ماه‌گرفتگی
 (۳) ملک: پادشاه / گران‌جان: فرومایه / صحابه: یاران پیامبر / حلاوت: شیرینی
 (۴) محمل: کجاوه / فضل: کرم / ناقد: سخن‌شناس / طزه: موی جلوی پیشانی
- ۷- همه گزینه‌ها به‌جز از نظر املایی درست هستند.
- (۱) شبانگاه که دزدان باز آمدند سفر کرده و غارت آورده سلاح را از تن بگشادند و رخت غنیمت بنهادند.
 (۲) در آن میان جوانی بود، ثمره شبابش نو رسیده و سبزه گلستان عذارش نو دمیده یکی از وزرا برای او روی شفاعت بر زمین نهاد.
 (۳) وزیران در نهانش گفتند: رأی ملک را چه مزیت دیدی بر فکر چندین حکیم گفت: به موج آن که انجام کار معلوم نیست و رأی همگان در مشیت است که صواب آید یا خطا.
 (۴) فی‌الجمله پسر را به ناز و نعمت برآورد و استاد و ادبی به‌ترتیب او نسب کرد تا حسن خطاب و رد جواب و آداب خدمت آموخت.

-۸

در جمله‌های زیر، چند غلط املایی وجود دارد؟

«عصارهٔ تاکی به قدرت او شهید فایق شده و تخم خرمایی به تریبتش نخل باسق گشته، هر گه که یکی از پندگاران گنهکار پربشان روزگار، دست ایت به امید اجابت به درگاه حق - جل و علا - بردارد، ایزد تعالی دراو نظر نکند. بازش بخواند، باز دیگرش به تززع و زاری بخواند. عاکفان کعبهٔ جلالش به تقصیر عبادت معترف و واصفان هلیهٔ جمالش به تهییر منصوب...»

(۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

-۹

عبارت زیر چند غلط املایی دارد؟

«یکی از صاحب‌دلان سر به جیب مراقبت فرو برده و در بهر مکاشفت مستغرق شده و از این معاملات باز آمد. پرسیند چه تحفه کرامت کردی؟»

(۱) ۴ (۲) ۳ (۳) ۲ (۴) ۱

-۱۰

در کدام گزینه غلط املایی وجود دارد؟

(۱) دست عنایت به امید اجابت به درگاه حق - جل و علا - بردارد.

(۲) استاد کمال‌الملک، الحق، رب النوع و جاهت‌اند.

(۳) عین تخم‌مرغ خیلی گنده‌ای نتراشیده و زمخت بود.

(۴) عارضه‌ای افتاد با تب سوزان و سرسامی که محبوب گشت از مردمان.

-۱۱

ارایه‌های مقابل همه ابیات کاملاً درست است به‌جز:

- (۱) به می پرستی از آن نقش خود زدم بر آب که تا خراب کنم نقش خود پرستیدن (ایهام - کنایه)
 (۲) گفتم ای جان جهان دفتر گل عیبی نیست که شود فصل بهار از می ناب آلوده (تشبیه - جناس)
 (۳) باقوت جان‌فزایش از آب لطف زاده شمشاد خوش خرامش در ناز پروریده (استعاره - واج‌آرایی)
 (۴) مزگان تو تا تیغ جهانگیر برآورد بس کشتهٔ دل زنده که بر یکدگر افتاد (اغراق - استعاره)

-۱۲

ارایه‌های «استعاره، تشبیه، اغراق، مجاز، کنایه» تماماً در کدام بیت، آمده است؟

- (۱) نو عروسان چمن را که جهان آریند با گل روی تو بازار لطافت نشکست
 (۲) در موی میانست سخنی نیست که خود نیست لیکن سخن ار هست در آن بسته دهان است
 (۳) صبر چون پروانه باید کردنت بر داغ عشق ای که صحبت با یکی داری نه در مقدار خویش
 (۴) خواهی که برنخیزدت از دیده رود خون دل در وفای صحبت رود کسان میند

-۱۳

ارایه‌های بیت زیر، کدام است؟

- «مهر آن مهر، فروغی، ئپذیرد ثقصان ثور خورشید فروزنده ثگرده کم و پیش»
 (۱) جناس، ایهام، کنایه، حسن تعلیل (۲) استعاره، تشبیه، اسلوب معادله، مجاز
 (۳) جناس تام، استعاره، تضاد، حسن تعلیل (۴) جناس تام، ایهام تناسب، اسلوب معادله، استعاره

-۱۴

ارایه‌های بیت زیر، در کدام گزینه «تماماً» درست آمده است؟

- «هر روی چون مه از چه پتایی کمند زلف بساری به هیچ روی ز من روی پرمتاب»
 (۱) مجاز، تشبیه، جناس، تشخیص (۲) تشبیه، ایهام، جناس تام، کنایه
 (۳) استعاره، ایهام، جناس تام، مجاز (۴) ایهام تناسب، استعاره، تناسب، واج‌آرایی